



۲۰۱۷/۱۲/۲۶



عبدالحسیب حکیم

اظهارات شاهدان عینی از کودتای خونین هفت ثور تا تجاوز بی شرمانه قشون سرخ

وطنداران عزیز متن فلم مستندی را که تلویزیون آرته (ARTE) به زبان آلمانی پخش نموده، اینک به زبان دری ترجمه و در خدمت شما قرار می‌دهم. این مستند شمه‌ای از جنایات شوروی‌ها در دههٔ آخر هفتاد و هشتاد بوده، در این فلم، شما پرسش‌ها و پاسخ‌های مستندی منتشر نشدهٔ آرشیف، اسناد محرمانه و اظهارات افسران سابق کی. جی. بی. سازمان سیا، قشون سرخ، و همچنین تعدادی از قومندانان جهادی افغانستان را می‌بینید. به خصوص قابل توجه توصیفات و اظهارات "میخائیل گورباچف" است که برای اولین بار از اشغال ده سالهٔ افغانستان توسط اردوی سرخ صحبت می‌نماید. امید وارم که مورد پسند شما قرار گیرد! حسیب حکیم. همچنان شما می‌توانید فلم دوبله شده از آلمانی به دری به آواز خودم را با فشار روی این لینک تماشا نمائید:

https://www.dropbox.com/s/۰kzxhaw۷۰yw۳rqm/DVD_Afghanistan_۱.mp۴?dl=۰



بخش اول

این داستان یک جنگ ظالمانه ایست که در آن نیروهای ابر قدرت اتحاد شوروی ده سال متداوم با مقاومت مردم افغانستان رو به رو بودند. آثار این جنگ خانمانسوز هنوز هم اینجا هر روز احساس می‌شود. این داستان یک جنگ بی‌هوده‌ای است که چهرهٔ دنیا را تغییر داد. به خاطری که بفهمیم که چگونه بحران افغانستان به یک معطلهٔ مهم بین‌المللی تبدیل شد، باید به تاریخ مراجعه کنیم.

اتحاد شوروی و افغانستان از سال ها بدین طرف با هم دوست اند، روسیه اولین ابرقدرتی است که در سال ۱۹۱۹ دولت افغانستان را به رسمیت می شناسد و افغانستان هم اولین کشور است که اتحاد شوروی را به رسمیت می شناسد. روابط دو کشور در جریان قرن بیستم بسیار عالی بوده، زعامت شوروی هم به این کشور حایل در قلب آسیای مرکزی که در شمال با اتحاد شوروی، در غرب با ایران و در جنوب شرق هم با پاکستان و چین همسرحد می باشد، توجه خاص مبذول داشته است.

افغانستان در دهه هفتاد یک جمهوریت مستقل تحت رهبری محمد داوود خان بود که روابط بسیار حسنه با کرملین داشته و همچنین شوروی در بازسازی این کشور سهم فعالانه گرفته و به صد ها مشاور به افغانستان می فرستد.

به تاریخ هفتم ثور ۱۳۵۷ نظام جمهوری در نتیجه کودتای کمونیستان افغان سقوط می کند.



"شهنواز تن" می گوید:

«انقلاب ثور یک قیام مردمی نبوده بلکه یک کودتای سیاسی بود، حزب دموکراتیک خلق افغانستان می خواست که تحولات بنیادی را در جامعه بیاورد، در حالیکه شرایط آماده نبود، اما انقلاب کامیاب شد، هدف ما عادلانه بود، زیرا در ابتدا از حمایت مردم برخوردار بودیم، ما این عمل را برای مردم انجام دادیم. باید یاد آوری کرد که ما این انقلاب را بدون هر نوع حمایت شوروی انجام دادیم.»

حزب دموکراتیک خلق افغانستان بعد از یک کودتای خونین به قدرت می رسد، البته این عمل کودتاچیان کمونیست سبب خشم شوروی ها می گردد.

کرملین به ماه های زیادی ضرورت دارد تا این انقلاب غیر محبوب را هضم نماید. "لئونید بریژنف" سکرتر جنرال اتحاد شوروی از ترس دوستان سوسیالیست بین المللی خود بالاخره مجبور می شود که کودتا را به رسمیت بشناسد. در ماه جدی ۱۳۵۷ نور محمد تره کی در سفری به مسکو یک قرارداد دوستی به امضاء می رساند که در آن حمایت شوروی از دولت کمونیستی تضمین می شود.

«اولیویئه رووه (Oliver Roy) نویسنده و ژورنالیست فرانسوی، متخصص امور سیاسی در باره افغانستان» می



گوید: «روس ها این را درک نکردند که حزب کمونیست افغانستان تا چه اندازه انقلابیست. آرمان ایدئولوژیکی آنها تغییر جامعه فیودالی به یک دولت سوسیالیستی بود. مرحله عبور به یک جامعه سوسیالیستی ایجاب می کرد تا فرمان توزیع زمین صادر شود که این فرمان اولین شکست کمونیست ها شمرده می شود.

برخورد خشن و عدم احترام به ارزش های سنتی جامعه سبب

قیام زارعین در ولایات شد. همچنان فرمان سواد آموزی شان هم به شکست مواجه می شود. حاکمان کابل دختران را به زور به مکتب رفتن مجبور می سازند، این اقدام باعث قیام رهبران مذهبی می شود، کمونیستان مقاومت روحانیون را سخت سرکوب می کنند، اما حمله بالای روحانیون یک عمل بسیار خطرناک بوده که این مسأله را شوروی ها دقیقاً خوب درک می کنند.»

در فبروری ۱۹۷۹ "آیت الله خمینی" در نتیجه یک انقلاب به قدرت می رسد. ظاهر شدن تکنوکرات های مذهبی تحت قیادت روحانیون در دروازه های افغانستان باعث می شود که رژیم شاهی در ایران سقوط کند. کرملین انقلاب ایران را خوب زیر نظارت خود دارد، زیرا این انقلاب سبب سرنگونی رژیم شاهی تحت الحمایه ایالات متحده آمریکا شده و این سقوط یک سیلی محکمی است به دشمن شوروی یعنی آمریکا.

شوروی ها بار ها می خواهند که مانع اعمال ضد مذهبی کمونیستان افغان شوند ولی کار شان جایی را نمی گیرد.

"شهناز تینی" می گوید:

« یک تعداد از اعضای حزب دیموکراتیک خلق به توهین و تحقیر علمای دین شروع نمودند ، کمونیستان در برابر علمای دین بی احترامی نموده و نتوانستند که با فرهنگ کشور ما خود را بسازند.»

"قوماندان امین وردگ" می گوید:



«کمونیست ها علمای دین، نخبگان و سران قومی کشور را یا به قتل رساندند یا هم محبوس کردند، آنها با تأسیس یک رژیم دیکتاتوری همه آزادی های مردم را سلب نمودند. مردم اجازه نداشتند که رادیو بشنوند و اخبار بخوانند، انتقاد کردن بالای رژیم هم ناممکن بود.»

در پانزدهم مارچ ۱۳۵۷ یک فرقه مکمل اردوی افغانستان در هرات دست به قیام می زند. رهبری این قیام را اسماعیل خان بدوش داشته که بعداً به نام قوماندان اسماعیل خان شهرت پیدا می کند.

"صحبت اسماعیل خان":

«ما چند نفر از افسران نظامی بودیم که احساسات دینی و وطندوستی ما باعث شد که دست به قیام بزنیم. ما قادر شدیم



که ذخیره ای از سلاح ها را به مردم خود توزیع کنیم، جنگ ها خیلی شدید بود و پنج روز ادامه پیدا کرد. بمباردمان هم بسیار شدید بود و اجساد به هر طرف افتاده بود. بالاخره ما مجبور شدیم که فرقه را ترک نمائیم، ما به مناطق کوهستانی عقب نشینی کردیم و سلاح های خفیه را با خود بردیم و از آنجا جنگ های چلیکی خود را آغاز نمودیم.»

قیام هرات که ۳۰ هزار تلفات را در پی داشت سبب نگرانی شدید نور محمد تره کی می شود، تره کی با صدراعظم شوروی "الکسی کاسگین" تماس تلفونی می گیرد و پروتکول این صحبت درج آرشیف استخبارات کرملین می شود. تره کی

در این صحبت خواهان حمایت نظامی و فرستادن خاموش قشون سرخ به افغانستان می شود. کاسگین مخالف اعزام قوا بوده، او ترس دارد که مبدا جهانیان این اعزام را به چشم تجاوز نگاه کنند، ولی تره کی به خاطر قناعت کاسگین می گوید: «شما می توانید تانک هارا با عساکر شوروی تاجک، ازبک و ترکمن با یونیفورم عسکری افغانستان بفرستید، کسی آنها را اینجا نخواهد شناخت.»

بالاخره پیشنهاد تره کی منظور می شود. کی. جی. بی. و استخبارات نظامی مؤظف می شوند تا یک کندک غیر رسمی به اسم مثبت یعنی کندکی از عساکر مسلمانان شوروی را تشکیل بدهند.

"افسر کندک مسلمان شوروی، دگروال رستم (Colonel Rostam) می گوید:

«وقتی که من به قوماندانی آمدم، تعجب کردم که در آنجا فقط نیروهای رزمی تاجک، ازبک و تعدادی هم ترکمن از آسیای مرکزی حضور دارند. آنها با یونیفورم که از موی شتر تیار شده و سبب خارش وجود می شد و کدام علامه و رتبه هم نداشت، ملبس بودند. ما هدف این مأموریت را نمی فهمیدیم. در دهه هفتاد هم مثل گذشته راز های نظامی افشاء نمی شد. تشکیل یک کندک متشکل از مسلمانان در ماه می ۱۹۷۹ نشان دهنده آمادگی کی. جی. بی. بود.»

روی کدام هدف؟ این راز را هیچ کسی نمی فهمید.

چیزی که واقعیت است وضع امنیتی در ولایات مختلف افغانستان نگران کننده است، بالخصوص در سرحد با پاکستان، جایی که تعداد زیادی از مخالفین رژیم کمونیستی هجرت کرده اند.»

پایان بخش اول
ادامه دارد